

ماهنامه

جوانزندهای

اجتماع
فرهنگ
ورزش

• تیرماه ۱۴۰۳ • شماره ۱۶ • سال پنجم

• ۸ صفحه • ۵۰۰۰ تومان

دختر همه فن حریف نقابدار

• متولی قرائت خانه‌ها،
چه نهاد یا سازمانی است؟!

• جوانگرایی در انتصابات؛
از شعار تا عمل

• سنت‌های فراموش شدنی

• روابط مادر شوهر و عروس؛
دست‌خوش باورهای غلط!



مطالبه

چند پرسش و پاسخ
در ارتباط با کربلا و محرم



داستان صعودی که لذتش را همه چشیدند

تیم «فرداد بازرگانی محمدی کاشمر»
به لیگ دست اول کشور راه یافت

متولی قرائت‌خانه‌ها، چه نهاد یا سازمانی است؟!



● به قلم زهره احمدی
مدیر مسئول

رشد قارچ‌گونه مراکز غیرمجازی با عنوان «قرائت‌خانه» و اجاره دادن میز و صندلی برای مطالعه، سود و درآمد گزافی برای صاحبان آن و تهدیدی برای دانش‌آموزان و خانواده‌ها به همراه دارد. قرائت‌خانه پدیده نوظهوری است و به دلیل وجود خلأ قانونی مشخص نشده است چه سازمان و نهادی به صورت خاص متولی نظارت و صدور مجوز برای فعالیت این مراکز است و نوعی ایهام قانونی در این خصوص وجود دارد، اما به صورت جزء در قانون مشخص شده که مراکز مرتبط با دانش‌آموزان و کنکور زیر نظر آموزش و پرورش، مراکز هنری زیر نظر ادارات کل ارشاد و مراکز مطالعاتی زیر نظر اداره کل کتابخانه‌های عمومی باید فعالیت کنند. چند سالی است که بحث قرائت‌خانه‌ها در کشور و به

تبع آن در خراسان‌رضوی مطرح شده و در گوشه و کنار شهرها در مکان‌های مختلف نظیر مدارس، منازل مسکونی و یا یکی از طبقات مجتمع‌های مسکونی و تجاری و غیره، مراکزی با این عنوان فعال شده‌اند. این مراکز از نیاز دانش‌آموزان به داشتن مکانی برای مطالعه استفاده کرده و هزینه‌های هنگفتی بین ۴ تا ۹ میلیون ریال در قبال اجاره ماهانه یک میز و صندلی از دانش‌آموزان دریافت می‌کنند. همچنین حضور در این مراکز با چالش‌های دیگری نظیر شکل‌گیری روابط نامتعارف مواجه است و برخی از این مراکز غیرمجاز از مکان و مدیریت مناسب برخوردار نیستند. از سویی با توجه به ارزشی شدن تحصیلات دانشگاهی، شکل‌گیری پدیده‌هایی به عنوان کلاس‌های کنکور و سالن‌های مطالعه طبیعی است و مسئولان موظفند پاسخگوی نیازهای منطقی جامعه باشند. وجود سالن و مکان‌هایی برای مطالعه دانش‌آموزان و به خصوص دانش‌آموزان کنکوری نیز از ضرورت‌های جامعه است، لذا باید ساز و کارهای لازم برای جلوگیری از سرگردانی مخاطبان و نگرانی خانواده‌ها در این خصوص فراهم شود. در عین حساس‌سازی و آگاه‌سازی خانواده‌ها،

احساس نگرانی را نیز در جامعه باید کاهش داد. در عصر کنونی که زندگی آپارتمانی فضا را بر افراد خانواده تنگ کرده، دانش‌آموزان برای مطالعه به فضاهای بیرون از خانه روی آورده‌اند. وجود قرائت‌خانه‌ها ضروری است اما باید ساز و کاری برای فعالیت و نظارت بر آنها وجود داشته باشد. بدون شک ضرورت فعالیت قرائت‌خانه‌ها را نمی‌شود منکر شد، اگر نهادهای مربوطه در این خصوص وارد نشوند، موسسات و افراد غیرمجاز برای پاسخ‌گویی به این ضرورت فعال شده و تبعات منفی آن فراگیر می‌شود. فعالیت‌های فوق برنامه نظیر کلاس‌های کنکور، سالن‌های مطالعه و غیره نقش مهمی در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان دارند و بخشی از ساعات فوق برنامه دانش‌آموزان را پر می‌کنند. فعالیت قرائت‌خانه‌ها و خانه کنکور، تابع نیازی بوده که با توجه به تغییر در شیوه مطالعه در جامعه ایجاد شده است. وجود مکان‌هایی برای مطالعه دانش‌آموزان ضرورتی انکارناپذیر است اما این مراکز باید سازمان یافته باشند، تا شاهد وارز در آمد حاصل از این قرائت‌خانه‌ها به حساب شخصی بعضی از مدیران مدارس نباشیم. باید تعیین مبلغ کرایه یک میز و صندلی بر اساس تعرفه‌ای مناسب و متعارف باشد و طوری نباشد که صرفاً دکانی برای کسب درآمد برای عده‌ای بدون هیچ نظارتی انجام شود.

چند پرسش و پاسخ در ارتباط با کربلا و محرم

درباره محرم و کربلا سوال‌های زیادی ممکن است در ذهن هر کسی ایجاد شود. سوال‌هایی که اگر بی‌پاسخ بمانند، اشتباه است. در مطلب پیش رو کوشیده‌ایم تا به برخی از مهم‌ترین و پرتکرارترین این سوال‌ها پاسخ دهیم.

گزارشگران و خبرنگاران کربلا

گاهی این سوال به ذهن می‌آید که این همه جزئیات حوادث کربلا را چه کسی گزارش کرده و از کجا به دست ما رسیده است؟

در پاسخ باید گفت جریان کربلا را افراد و گروه‌های مختلف با انگیزه‌های متفاوتی گزارش کرده‌اند. به عنوان نمونه:

یک. برخی از اعضای خانواده و اطرافیان امام حسین^(ع) که در کربلا حضور داشته ولی درگیر جنگ نشده‌اند. به عنوان مثال امام باقر^(ع) که در کربلا چهارساله بوده‌اند، امام سجاد^(ع)، حضرت زینب و ام‌کلثوم خواهران امام حسین^(ع)، همسر امام به نام رباب و دختران امام به نام سکینه و فاطمه از گزارش‌گران واقعه کربلا بوده‌اند.

دو. برخی از مردانی که همراه امام حسین^(ع) بودند، ولی به شهادت نرسیدند نیز حوادث کربلا را گزارش کرده‌اند. مانند حسن مثنی (فرزند امام حسن^(ع)) که با وجود جراحت بسیار، به شهادت نرسید و با عقبه بن سیمان که غلام امام بود ولی در کارزار حاضر نشد و به افتخار شهادت نایل نیامد.

سه. برخی از خبرنگاران اعزام شده به کربلا مانند حمید بن مسلم و هلال بن نافع که صرفاً به جهت گزارش وقایع به کربلا اعزام شدند و با مصونیت خبرنگاری خود به صحنه جنگ نزدیک

شده و جزئیات مکالمات و حوادث را ثبت می‌کردند. چهار. برخی از لشکریان دشمن که در صحنه جنگ حاضر بودند، بعدها به گزارش وقایع آن روز پرداختند و به



اجبار یا اختیار، آنچه مشاهده کرده و یا انجام داده بودند را تعریف کردند. پنج. برخی از رویدادهای کربلا از زبان امامان شیعه روایت شده است. ایشان اگرچه در آن روز حاضر نبوده‌اند ولی به دلیل آگاهی به غیب از اتفاقات آن روز کاملاً مطلع بوده و برخی را برای دوستان خود گزارش کرده‌اند.

علت عزاداری در دهه اول محرم

اگر امام حسین^(ع) و یاران‌شان در روز دهم محرم به شهادت رسیده‌اند، چرا ما از روز اول محرم به عزاداری مشغول می‌شویم؟

پیامبر اکرم^(ص) می‌فرماید: همانا از شهادت حسین^(ع) آتشی در قلب مؤمنان افروخته شده است که هرگز سردی و خاموشی نمی‌پذیرد. این حرارت و سوز را هر کسی حس کرده باشد، می‌داند بی‌مقدمه وارد روز عاشورا شدن، بسیار دشوار است؛ از این جهت یک دهه عزاداری قبل از عاشورا برای بعضی‌ها کسب توجه و آمادگی برای ایجاد سوز

در روز دهم است. امام رضا^(ع) در شیوه عزاداری پدر بزرگوارشان در ایام محرم می‌فرمایند: چون ماه محرم فرا می‌رسد کسی پدرم را خندان نمی‌دید و این وضع ادامه

داشت تا روز عاشورا، در این روز پدرم را اندوه و حزن و مصیبت فرا می‌گرفت. شاید بتوان گفت بنیانگذار عزاداری دهه اول محرم، امام رضا^(ع) هستند و شاید علت اصلی اینکه چرا عزاداری قبل از شهادت شروع می‌شود شیوه عزاداری امام کاظم^(ع) بوده باشد. در روایت مشهور دیگری وقتی پسر شیب در اول محرم بر امام رضا^(ع) وارد شد، حضرت برای او مصیبت شهادت و اسارت اهل بیت^(ع) را ذکر کردند. یکی دیگر از دلایل ممکن است این باشد که کاروان امام حسین^(ع) روز دوم محرم سال ۶۱ هجری وارد کربلا شد، پس از آن سپاه کوفیان به تدریج وارد شدند و عزا و مصیبت خاندان اهل بیت^(ع) از همان زمان آغاز شد. روز نهم (تاسوعا) کاروان امام^(ع) را محاصره کامل کرده، روز دهم (عاشورا) آن بزرگوار و یارانش را به شهادت رساندند؛ بنابراین چون اصل گرفتاری حضرت از دهه اول محرم آغاز شده است، پیروان حضرت از اول محرم عزاداری می‌کنند.

شیوه‌های عزاداری برای امام حسین^(ع)

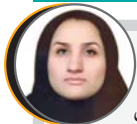
از چه زمانی که ابعبدالله و یاران باوفایش در کربلا به شهادت رسیدند، عزاداری اهل بیت بر سیدالشهدا شروع شد؟

به طور کلی می‌توان گفت سیره اهل بیت برای عزاداری با دو ویژگی همراه بوده است:

۱- گریه بر مصائب شهدای کربلا
۲- تبیین جایگاه اهل بیت، بیان حوادث کربلا و پرده برداشتن از چهره تزویر بنی‌امیه، امام‌سجاد^(ع) و حضرت زینب^(ص) و سایر اسرا در کوفه و شام علاوه بر اینکه بر مصائب امام شهید و یارانش می‌گریستند همزمان جایگاه و فضائل اهل بیت را بیان و جنایات زشت امویان را بر ملا می‌کردند.

بعد از جریان اسارت، شیوه عزاداری اهل بیت بر امام حسین^(ع) به این نحو بود که گاهی مرثیه‌خوانی را دعوت می‌کردند در مجلس امام حسین^(ع) مصیبت و مرثیه می‌خواند و آنان گریه می‌کردند و دستور می‌دادند همه گریه کنند. امام باقر^(ع) در روز عاشورا برای امام حسین^(ع) مجلس عزا برپا می‌کرد و بر مصائب آن حضرت گریه می‌کردند که در آن مجلس شعرخوانی «کمیت» در تاریخ معروف است.

امام حسین^(ع) از خواهران و زنان و دخترانش خواست که بعد از شهادتش از شیوه‌های غلط عزاداری استفاده نکنند و فرمود: چون من کشته شوم مبادا برای من گریبان چاک زنید، مبادا صورت خود خراش دهید و مبادا حرفی بزنید که ارزش این حماسه را پایین بیاورد؛ بنابراین باید در عزاداری از کارهایی که موجب سستی و توهین به مذهب شود، دوری کرد.



● سمیه سلیمانی
کارشناس ارشد روانشناسی بالینی

مهارت‌های زندگی (حل مسئله)

در پنجمین بخش از سری مهارت‌های زندگی، این قسمت را اختصاص خواهیم داد به مهارتی تحت عنوان حل مسئله (problem solving skills). نگرش حل مسئله ذهنیتی است که به‌جای تمرکز بر خود مشکل، بر یافتن راه‌حل برای چالش‌ها و موانع تمرکز دارد. این شامل فعال بودن، مدیر بودن، ثابت‌قدم بودن و شناسایی و اجرای راه‌حل‌هاست.

● نگرش حل مسئله یک ذهنیت مثبت است که به‌جای تمرکز بر جنبه‌های منفی یک مشکل، به یافتن راه‌حل‌ها و فرصت‌ها تمرکز دارد. (طرز فکر مثبت)

● از طرفی شامل خلاقیت نگرش باز در کشف راه‌حل‌های مختلف برای یک مشکل است. (خلاقیت)

● نگرش حل مسئله مستلزم تدبیر و استفاده از منابع موجود برای شناسایی و اجرای راه‌حل‌هاست. (مدیر بودن)

● این نگرش مستلزم آن است که در مواجهه با موانع یا چالش‌ها به‌راحتی تسلیم نشوید. (پشتکار)

● شامل تمایل به همکاری با دیگران برای شناسایی رابطه راه‌حل‌هاست. (روحیه مشارکتی)

● نیازمند مهارت‌های تحلیلی قوی برای تشخیص دقیق مشکل و شناسایی علت اصلی است. (مهارت‌های تحلیلی)

● شامل انعطاف‌پذیری و سازگاری در مواجهه با شرایط متغیر یا اطلاعات جدید. (انعطاف‌پذیری)

به‌طور کلی نگرش حل مسئله یک ذهنیت ضروری برای موفقیت در هر دو زمینه شخصی و حرفه‌ای است که افراد و تیم‌ها را آماده می‌سازد تا بر چالش‌ها و موانع غلبه کنند و به اهداف خود برسند.

قاعده‌های بازی زندگی:

همه چیز بیاموز، همه چیز بخوان، در همه چیز کنو کاو کن



دختر همه فن حریف نقابدار



وی افزود: استعدادیابی در میان دانش‌آموزان انجام نمی‌شود و نمی‌دانند در چه رشته‌ای می‌توانند بدرخشند، برای همین پس از مدت کوتاهی آن را رها می‌کنند.

رحیمیان که معتقد است باید توسط یک روانشناس با خانواده‌ها صحبت شود تا اجازه دهند فرزندان‌شان وارد این‌گونه رشته‌های ورزشی شوند، گفت: گرچه بسیاری تمایل به حضور در رشته‌های رزمی دارند، اما خانواده‌ها اجازه نمی‌دهند.

این ورزشکار با انتقاد از نبود سالن ویژه برای بانوان در شهر کاشمر گفت: گرچه سایر شهرها سالن‌هایی دارند اما امکان رفت و آمد نیست. از سویی برخی سالن‌ها هستند که اجاره‌شان بسیار بالاست به طوری که برای ۱۵ ساعت باید ۳ میلیون تومان پرداخت کنیم.

رحیمیان در پایان با اظهار تاسف از این‌که شورای شهر و شهرداری هیچ حمایتی در این خصوص ندارند، بیان کرد: گرچه چند خانم ۵۰ساله در این رشته ورزشی با انگیزه ورزش می‌کنند و حتی یکی از آنها تاکنون دو کمربند گرفته، اما مشکلات و هزینه‌های بالا ما را از ادامه این مسیر ناامید کرده است.

شرکت کردم و در بین ۹۰۰ نفر شرکت‌کننده توانستم مقام دوم را به دست آورم و سال بعد هم در مسابقات استانی مقام سوم دفاع شخصی را کسب کردم.

او که تمرین و صبر را راز موفقیت در کارش می‌داند، گفت: پس از موفقیت در مسابقات کشوری اکثر دوستانم و یا کسانی که به آنها ارتباط داشتم با این ورزش آشنا شدند و تعدادی تمایل پیدا کردند این رشته ورزشی را آموزش ببینند.

رحیمیان با بیان این‌که این ورزش با پوشش کامل بوده و فقط چشم‌هایمان دیده می‌شود؛ گفت: گرچه بسیاری از افراد جامعه لباس ما را ندیده‌اند اما به پوشش ما ایراد می‌گیرند، در صورتی که این لباس استاندارد جهانی است.

وی افزود: وجود لباس‌های گرم زیر نقاب، تحرک و چالاکی را بسیار سخت می‌کند، اما در باشگاه و تمرین‌ها باید لباس‌ها را کامل بپوشیم در غیر این‌صورت اجازه تمرین نداریم و در گرما و سرما این وضعیت باید رعایت شود.

او که در کنار درس تمرینات فشرده‌اش را ترک نکرده و در همه حالت ادامه می‌دهد، گفت: گرچه تمام تلاش خود را به کار گرفته‌ام که نام شهرم را در کشور مطرح کنم، اما در این مسیر نیاز به حمایت دارم.

این ورزشکار بیان کرد: شاید موقعیت در شهرهای بزرگتر برایم بهتر و امکانات بیشتر باشد ولی همدلی و همبستگی و افتخار برای شهرم بسیار مهمتر است، دوست دارم ورزشکاران این شهر با هم رشد کرده و موفقیت‌های ورزشی را به دست آوریم.

فریبا رحیمیان که اخیراً به همراه سایر دوستان ورزشکارش برای کودکان زلزله‌زده منطقه اجرا داشته‌اند، گفت: علی‌رغم این‌که استعدادیابی‌های ورزشی از مدارس باید انجام شود و آموزش و پرورش حامی ما باشد، اما نه تنها این همکاری نیست بلکه حاصل تقدیرشان پس از موفقیتیم در مسابقات کشوری اهدای یک لوح تقدیر بود.

در فضای مجازی برای ما ارسال می‌کرد در خانه تکرار می‌کردیم و هیچ‌گاه تمرین‌هایمان تعطیل نشد.

این نینجا رنجر که در روزهای عادی ۴ ساعت و برای مسابقات شبانه‌روز تمرین می‌کند، ادامه می‌دهد: نینجاهای قدیمی در کوه‌ها و شرایط سخت آموزش می‌دیدند و خودشان سلاح مورد نیاز را می‌ساختند، ما هم زندگی در شرایط سخت را تمرین می‌کنیم و دوره می‌بینیم.

وی می‌گوید: به ما آموزش می‌دهند که چگونه نینجاها در فضاهای خیلی سخت زندگی و سلاح و غذای خود را تهیه کنند و اگر در شرایط جنگی قرار گرفتند، چگونه زنده بمانند.

او که از عدم حمایت بانوان از سوی مسئولان گلایه‌مند است، می‌گوید: ما بانوان ورزشکار نه تنها در این شهر حمایت نمی‌شویم، بلکه امکاناتی نداریم و تمامی هزینه‌ها را باید خودمان تأمین کنیم.

رحیمیان با اشاره به این‌که حتی وقتی به عنوان نماینده شهرستان برای حضور در مسابقات اعزام می‌شویم وسیله ایاب و ذهاب نداریم، بیان کرد: گرچه استعدادهای بسیاری در این شهر وجود دارند و حتی می‌توانند در مسابقات حائز مقام شوند، اما توان تأمین هزینه کلاس‌ها را ندارند.

وی با بیان این‌که مشکل عدم حمایت در تمامی رشته‌های ورزشی به خصوص بانوان وجود دارد، خاطر نشان کرد: گرچه وقتی برای مسابقات کشوری اعزام می‌شویم هیچ دغدغه‌ای برای اسکان نداریم، اما در مسابقات درون استانی مدام سرگردانی و دغدغه داریم به طوری که حتی در یکی از مسابقات چون جایی نداشتیم، برای استراحت به حرم مطهر رفتیم.

این ورزشکار ادامه داد: برای اولین بار اسفندماه ۱۴۰۱ در مسابقات کشوری

فریبا ۱۷ سال بیشتر ندارد و اولین دختر کاشمیری است که توانسته در رشته ورزشی رزمی «نینجا رنجر» مقام کشوری را کسب کند، ورزشی نوظهور که با ترکیب چند ورزش ایجاد شده و برای بسیاری جدید است. گرچه ظاهری مهربان دارد اما هیچ وقت سعی نکنید این دختر نقابدار را عصبانی کنید.

انجام حرکات نینجا رنجر شاید برای آقایان راحت باشد اما خانواده‌ها سخت‌تر تمایل دارند دختران‌شان به سمت چنین ورزش‌هایی بروند!

«فریبا رحیمیان» یکی از دختران کاشمیری است که توانسته با غلبه بر بسیاری از مشکلات پیش رو، مقام کشوری را در رشته رزمی نینجا رنجر به دست آورد.

او ورود به ورزش را ابتدا با والیبال آغاز می‌کند اما از سال ششم تحصیلی وارد رشته دفاع شخصی می‌شود، ولی همچنان ناراضی از روزهایی که سپری می‌کند. دختری که زود حوصله‌اش سر می‌رفت و رضایتی از انجام ورزش‌های کم تحرک نداشت، سرانجام در سال ۱۳۹۹ شیفته رشته نینجا رنجر به عنوان یکی از ورزش‌های پر تحرک می‌شود و تمریناتش را آغاز می‌کند.

خانم رحیمیان می‌گوید: خانواده‌ام به دلیل نگرانی از ضرب خوردگی‌های حین ورزش رضایتی از فعالیتیم در این رشته نداشتند، اما با تلاش‌های مربی و شرایط خوب حاکم بر کلاس‌ها بالاخره خانواده‌ام رضایت دادند.

فریبا می‌گوید: قبل از هر تمرینی ابتدا باید اخلاق و نوع برخورد خود را تغییر دهیم و به معنای واقعی ورزشکار باشیم، نه این‌که هرگونه خواستیم با اعضای خانواده صحبت و برخورد کنیم.

وی که رمز موفقیت خود را تمرین و صبر در این رشته می‌داند، بیان می‌کند: حتی زمان بیماری کرونا تمرین‌هایی که مربی

در مسابقات

درون استانی
مقام سرگردانی و
دغدغه داریم به
طوری که حتی در
یکی از مسابقات
چون جایی
نداشتیم، برای
استراحت به حرم
مطهر رفتیم.

علی‌رغم

این‌که
استعدادیابی‌های
ورزشی از مدارس
باید انجام شود و
آموزش و پرورش
حامی ما باشد،
اما نه تنها این
همکاری نیست
بلکه حاصل
تقدیرشان پس
از موفقیتیم در
مسابقات کشوری
اهدای یک لوح
تقدیر بود.



داستان صعودی که لذتش را همه چشیدند

تیم «فره‌ها بلور گلای محمدی کاشمر» به لیگ دست اول کشور راه یافت



FUTSAL



- انتخاب رات‌بک‌ها:**
- قهرمان چندین دوره جام مبارک رمضان
 - قهرمان سوپر لیگ استان در ده سنی امید
 - قهرمان سوپر لیگ استان در ده سنی بزرگسالان
 - بایب قهرمان لیگ دسته دوم کشور و صعود به لیگ دسته یک

ارادتمند شما حامد محمدی
مدیرعامل و مربی تیم فوتسال فراداد بازرگانی محمدی

جناب آقای امیر عرب برای همکاری و سرپرستی تیم، دوست خیم جناب آقای حمید عبدالله‌زاده مدیر محترم رستوران تاک و تماشگران و دوستی که در طی این مسیر دشوار ما را تنها نگذاشتند و با حمایت‌هایشان همیشه قوت قلبمان بودند، تشکر کنم.

سال دوم با تغییراتی که در کادر فنی ایجاد نمودم و همچنین اضافه کردن برادران مهدی به عنوان سرمربی و ایاس عزیز به عنوان سرمربی واد مسابقات سوپر لیگ استان شدیم و تیم دوباره به فینال بازی‌ها راه پیدا کرد به طوری که به اولین تیم شهرستانی که دو سال پشت سر هم به فینال راه پیدا می‌کند، تبدیل شدیم.

شرایط خوب تیم پس از بازی‌های سوپر لیگ موجب شد وارد مسابقات لیگ دسته دوم شویم، برای دور اول به شهر مهدیشهر سمنان رفتیم و بهمدالله در آنجا امتیازات لازم را کسب نمودیم و در دور دوم نیز درخواست میزبانی دادیم.

پس از این که برنده قرعه‌کشی شدیم و کاشمر میزبان شد، امتیازات لازم را گرفتیم و به عنوان تیم اول راهی دور بعدی مسابقات شدیم و در دور بعد به عنوان تیم اول حکم صعود به لیگ دسته اول کشور را برای اولین بار در خمی ترشیز گرفتیم و در پایان مسابقات تیم «فراداد بازرگانی محمدی» عنوان بایب قهرمانی لیگ دست دوم کشور را از آن خود کرد.

طی این سال‌ها به حق تماشاگران عزیز هیچگاه ما را تنها نگذاشتند و با تشویق‌هایشان همیشه قوت قلبی برای ما بودند، هم چنین فرماندار شهرستان، فرماندهی محترم نیروی انتظامی و کادر محترم یگان، اداری ورزش و جوانان و کادر عزیز علیرضا مقصودی، علی زراعتکار، احسان حسین پور و مهدی کبیری از دیگر عزیزانی بودند که ما را در این مسیر همراهی کردند.

به امید روزهای خوب برای فوتسال شهر عزیزمان



مدیر عامل تیم: حامد محمدی
مربیان: حامد محمدی، احسان حسین پور
پزشکیار: علیرضا مقصودی
ماساژور: مهدی کبیری
عکاس تیم: حجت آملی
باریکتان: مرتضی زاهدی، عرفان صافقی، مرتضی شبانی، مهدی بسینجد، حمید مرادیان، علی پوهمند، علیرضا زارعی، حمید فرمان‌بر، محمد عظیمی، مهدی رضوی، معین یعقوبیان، عرفان کردزاده، محمد ناری، عادل بهادری، حسین ناری

مدیر اجرایی: علی زراعتکار
سرپرست: ایاس زراعتکار
سرمربی: مهدی محمدی

روابط مادر شوهر و عروس؛ دست خوش باورهای غلط!



نبرد مادر شوهر و عروس سرانجامی ندارد و بسیاری از اختلافات عروس و مادر شوهر ریشه در رسوبات اشتباه فکری قدیمی دارد و این آتش نبردی بی‌سرانجام است. پدر و مادرها همچنان دوست دارند با قوانین ناتواسته روزگار خود، با عروس و دامادشان رفتار کنند و جالب‌تر آن که متمایل‌اند فرزندان‌شان نیز چون جوانی خودشان به سبک والدین‌شان، ساز زندگی مشترک‌شان را کوک کنند. در این موقعیت بغرنج و خواسته‌های عجیب و غریب، احتمال چالش با خانواده همسر امری حتمی است. برای خیلی از پدر و مادرهای ایرانی پذیرش بزرگ شدن و استقلال فرزندان سخت است. آن‌ها حتی وقتی پسرشان را در لباس دامادی می‌بینند هم به سختی می‌توانند بپذیرند که بزرگ شده و وقتش رسیده که بال‌هایش را برای پریدن امتحان کرده و به خانه دیگری کوچ کند. به همین دلیل خیلی وقت‌ها عروس‌ها با همه ملاحظاتی که دارند و محبوبیتی که در دل خانواده همسر پیدا کرده‌اند، به چشم متهمی نگاه می‌شوند که پسر را از خانواده‌اش قاپیده و مهم‌تر از همه، بین او و مادرش فاصله انداخته است.

مشکلات زناشویی که در درون خانواده‌ها دیده می‌شود ناشی از همین ناآگاهی و عدم دقت در ابتدای ازدواج است.

وی گفت: ازدواجی خوب است که در آن بلوغ باشد، دختر باید با پسر و پسر باید با دختری ازدواج کند که در آن فرد بالغ و مستقل باشند و به لحاظ روانی عاطفی وابستگی نداشته باشند.

چند توصیه به عروس خانم‌ها و مادرشوهرها

هرچند قدمت تاریخی اختلاف بین عروس و مادرشوهر نشان‌دهنده آن است که این مشکلات در گذشته نیز وجود داشته و به‌طور قطع در آینده نیز ادامه خواهد داشت اما عروس‌ها باید بر اساس منطق و عقل برای مقابله با مشکلات بین خودشان و مادر شوهرشان تصمیم‌گیری کنند.

عروس خانم‌ها باید قبل از هر چیزی این را قبول کنند که مشکل بین خود و مادرشوهرشان را به همسرشان ربط ندهند چون راحل این مشکل در دست خودشان است. اگر نسبت به مادرشوهرتان حس خوبی ندارید و احساس سوءنیت می‌کنید، در مورد این موضوع با همسرتان بحث نکنید. این بحث‌ها صرفاً باعث به وجود آمدن اختلاف در زندگی شما می‌شود.

اما چند توصیه به مادرشوهرها: به عروس‌تان به چشم فردی بیگانه نگاه نکنید، بیشتر مردها در زمان ایجاد جدال بین همسر و مادرشوهر، حق را به همسرشان می‌دهند و انتظار دارند مادرشان فداکاری کرده و مشکلات حل شوند. سعی کنید این موضوع را بپذیرید که عروس‌تان می‌تواند باعث خوشبختی و یا بدبختی پسران شود. پس برای آرامش بیشتر این را قبول کنید که پسران مستقل شده و در قبال همسرش مسئولیت‌های زیادی دارد.

پسرش عزیز باشد رقابتی را با عروس آغاز می‌کند و سعی دارد از عروس جلو بزند.

یک روانشناس در همین خصوص گفت: این همانندسازی قابل قبول است اما بعد از مدتی عروس دچار مشکلات جدی و نبردهای درون خانواده می‌شود. حتی این موارد در رابطه با عروس هم صدق می‌کند، این‌که در کودکی به لحاظ روانی مشکلات خاصی داشته و یا آسیب‌دیده است.

مریم جعفری گفت: عروس‌ها در جامعه ایرانی نسبت به خانواده شوهر و به‌خصوص مادر شوهر نوعی ترس و دلهره دارند و یک سیکل معیوبی از روابط را ایجاد می‌کنند و در آینده موجب ایجاد بحران‌های زنجیره‌وار می‌شود.

وی بیان کرد: آسیب‌های روانی باید درمان شوند، در جامعه ایرانی چون ذهنیت روان‌شناختی ندارند در آخرین مراحل به روانشناس و روانکاو مراجعه می‌کنند و این مراجعه دیر هنگام آنها کار روانشناس و تراپیست را سخت می‌کند.

وی اولین شرط ازدواج سالم را سلامت روان دانست و گفت: دختر و پسر قبل از ازدواج باید تست بدهند که به لحاظ روانی سالم هستند یا نه؟

این روانشناس همچنین در خصوص پسرها گفت: برخی مادر شوهرها به‌گونه‌ای پسر را تربیت کردند که نمی‌تواند مستقل شود و روی پای خودش بایستد، در ازدواج‌هایی که یکی از طرفین بالغ نیستند این مشکلات بسیار دیده می‌شود.

وی گفت: پسری که وابستگی افراطی به مادر دارد دچار مشکلات جدی می‌شود، ازدواج او خانواده مقابل را هم دچار بحران‌ها و مشکلات جدی‌تری می‌کند. جعفری افزود: بسیاری از طلاق‌ها، آسیب‌های اجتماعی، تنش‌ها و

قبلی مادر شوهر به لحاظ تسلط، تحکم و جایگاه دچار تغییر می‌شود.

وی اظهار کرد: ازدواج می‌تواند تبعات گوناگونی به دنبال داشته باشد، فروپاشی ساختار قبلی در یک ساختار سنتی در جامعه ایرانی معادل جایگزین سازی آن با شرایط جدید است.

ابراهیمی با اشاره به این‌که این فروپاشی می‌تواند به یک بحران تبدیل شود، گفت: بسیاری مواقع اتفاق افتاده که با ازدواج پسر یک بحران جدی در درون خانواده ایجاد می‌شود، خانواده به دلیل عدم بلوغ، عدم ناتوانی به دلیل نگرانی‌های ... وارد یک جریان بحرانی می‌شود که اگر حل‌وفصل و کنترل نشود می‌تواند زندگی زوج را دستخوش مسائل و مشکلات و آسیب‌های فراوانی کند.

این روانشناس تصریح کرد: ورود عروس به درون خانواده می‌تواند موجب ایجاد تکان‌های ناخودآگاه همراه با خشم، ناکامی ... به دلیل از دست دادن پسر و نگرانی‌های آینده‌خودش شود.

ابراهیمی با اشاره به این‌که ناتوانی در سازگاری می‌تواند با شرایط جدید، رابطه عروس و مادرشوهر را دستخوش آسیب کند؛ گفت: بعضاً چون عروس نمی‌تواند با شرایط جدید خود را سازگار کند و از سویی مادرشوهر به این وضعیت دامن می‌زند ادامه زندگی دچار مشکلات جدی می‌شود. وی عنوان کرد: ایرادگیری، سرزنش و کنترل کردن نوعی دیگری از ایراد گرفتن‌هاست، در مادرشوهرهای وسواسی مضطرب و درگیر دلهره‌ای سخت این موارد را بیشتر می‌بینیم.

سلامت روان، اولین شرط ازدواج سالم

همانندسازی با عروس در مادرشوهرها زیاد دیده می‌شود، این همانندسازی در واقع تکرار کارهای عروس است، در واقع مادر شوهر برای اینکه در چشم

طلاق‌های عاطفی بر اثر نداشتن درک متقابل، شناخت، دخالت اطرافیان، تناسب فرهنگی و خانوادگی در ازدواج‌ها به وجود می‌آید. وقتی دو جوان ناآگاهانه و معرفی دورهمی، مهمانی و یا غیره با هم آشنا می‌شوند و به شناخت کافی از خصوصیات اخلاقی و فرهنگی نمی‌رسند و پیمان زناشویی می‌بندند، خیلی زود به بن‌بست رسیده و برای جدایی راهی دادگاه خانواده می‌شوند.

یک روانشناس، روان‌درمانگر و روانکاو در همین خصوص گفت: بر اساس بررسی‌های صورت گرفته دخالت خانواده اطرافیان یکی از مهم‌ترین علل طلاق در ایران است.

دکتر محمدرضا ابراهیمی اظهار کرد: یکی از مهم‌ترین مسائل درون خانواده‌ها ارتباط عروس و مادر شوهر است که در برخی از این موارد روان‌کاو آن را نبرد بین عروس و مادر شوهر تلقی می‌کنند.

وی اذعان کرد: این ارتباط آسیب‌دیده‌ای که در بسیاری از روابط درون خانوادگی با ورود یک عضو «عروس یا داماد» به درون آن اتفاق می‌افتد، می‌تواند بحران‌های جدی و طلاق‌فرسایی را ایجاد کند.

ابراهیمی اذعان کرد: اصولاً در حیطه آسیب‌شناسی روانی و آسیب‌شناسی مبتنی بر تشخیص‌های روان‌کاوانه هنگامی که فردی وارد یک کلنی جدید می‌شود مثلاً وقتی دختری ازدواج کرده و وارد خانواده شوهر می‌شود، اتفاق‌هایی در ساختار قبلی خانواده دختر و پسر رخ می‌دهد.

این روان‌درمانگر با بیان اینکه واکنش‌های دختر در رابطه با خانواده شوهر می‌تواند تعیین‌کننده آتیه و عاقبت خانواده آن‌ها باشد، در خصوص رابطه عروس و مادر شوهر گفت: چون جامعه ایرانی جامعه سنتی است با ورود عروس به درون خانواده ساختار

دخالت‌های بی‌جا عامل طلاق

«سال‌ها بود که همسایه بودیم، با توجه به شناختی که از من و خانواده داشتند قرار خواستگاری را گذاشتند. چند روزی بود که از تولد می‌گذشت و خوشحال از آنچه می‌خواست در ۱۴ سالگی برایم اتفاق بیفتد.» این‌ها صحبت‌های فاطمه است که ۵ سال قبل ناخواسته مجبور به طلاق می‌شود، او گفت: «همسر من ۱۴ سال از من بزرگ‌تر بود و به اصرار او به خواستگاری‌ام آمده بودند. من چون همسر مرا از قبل می‌شناختم، مشکلی با این ازدواج نداشتم.»

وی افزود: «پس از یک‌سال که از عقد من می‌گذشت مراسم عروسی ساده‌ای را برگزار کردیم و به خانه خودمان رفتیم تا چند ماه زندگی خوبی داشتیم، ترجیح می‌دادم کمتر به خانه مادر شوهر بروم تا حرف‌وحدیث کمتر باشد.»

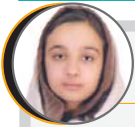
فاطمه اظهار کرد: «بعد از مدتی به‌مرور در رفتار شوهرم تغییراتی به وجود آمد و در واقع ما که تا آن زمان هیچ مشکلی با هم نداشتم، جواب سؤالی‌هایم را با عصبانیت می‌داد و یا اصلاً جواب نمی‌داد.»

وی با بیان این‌که برخی مواقع هرچه منتظر می‌ماند برای ناهار نمی‌آمد، گفت: «یک روز تصمیم گرفتم با او صحبت کنم که از بین حرف‌هایش متوجه شدم مادرش عامل این مشکلات است.»

فاطمه سرش را پایین انداخت و گفت: «هنوز هم دوستش دارم اما دخالت‌های بی‌جای مادرش در زندگی‌مان موجب شد کارمان به طلاق بکشد، مادرش فکر می‌کرد من پسرشان را درزیده‌ام و می‌خواست به‌نوعی انتقام بگیرد.»

نبرد بین عروس و مادر شوهر

بر اساس نظر روان‌شناسان اکثر



رها عرفانی

دلفك زیرك و حرف حق

سلام دوستان عزیز این کتاب را به شما معرفی می‌کنم تا درس‌های مهم زندگی را با هم بیاموزیم. این کتاب نوشته زینب علیزاده لوشابی و در ۲۲۴ صفحه به چاپ پنجم رسیده و در سال ۱۳۹۶ تهیه شده است. اکنون می‌خواهیم باهم یکی از قصه‌های پندآموز این کتاب را بخوانیم.

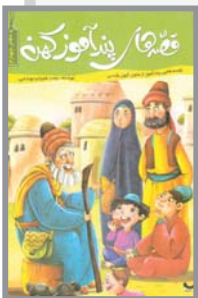
دلفك زیرك و حرف حق

پادشاه کنار پنجره اتاقش نشسته بود و بیرون را نگاه می‌کرد. او حوصله‌اش سر رفته بود. هیچ حیاط قصر نگهبان‌ها می‌رفتند و می‌آمدند. هیچ خبر تازه‌ای نبود. گریه‌ای گوشه قصر نشسته بود و می‌ویمو می‌کرد. پادشاه چشمش به صفحه شطرنجی که روی میز اتاقش بود، افتاد. او خمیازه‌ای کشید و نگهبان را صدا زد. وقتی نگهبان آمد پادشاه به او گفت: به دلفك بگو. بیاید. نگهبان رفت که دلفك را صدا بزند دلفك کسی بود که در قصر پادشاه زندگی می‌کرد و وظیفه‌اش خنداندن و سرگرم کردن پادشاه بود. دلفك آمد پادشاه به میزی که شطرنج رویش بود اشاره کرد و خودش روی صندلی پشت میز نشست. دلفك هم روی صندلی مقابل نشست. بازی شروع شد. اتاق ساکت بود و فقط صدای مهرهای شطرنج که روی صفحه جابه‌جا می‌شدند توی اتاق می‌پیچید که روی دو کمی که بازی کردند دلفك ناگهان بشکنی زد و گفت مات قربان، شما مات شدید و باختید.

پادشاه که از باختن خودش عصبانی شده بود یک سیلی محکم توی گوش دلفك زد و بعد بلند شد و چند تا لگد محکم هم به دلفك زد. دلفك بیچاره که نمی‌توانست چیزی بگوید تحمل کرد و چیزی نگفت. پادشاه وقتی حسابی دلفك را کتک زد، گفت: بیا یکدست دیگر بازی کنیم. این دفعه حتماً تو را شکست می‌دهم. دلفك مجبور بود قبول کند، بنابراین با هزار ترس ولرز پشت میز نشست. آن‌ها دوباره بازی کردند و این بار هم شاه بازی را باخت اما هنوز نفهمیده بود که باخته است. دلفك که می‌ترسید به او بفهماند که باخته است از پشت میز بلند شد و رفت گوشه اتاق که چند پتوی ضخیم روی هم بود. او پتوها را روی خودش انداخت و از زیر پتو داد زد: قربان مات، شما این دفعه هم باختید.

شاه که با تعجب به حرکات دلفك نگاه می‌کرد وقتی این حرف را شنید به صفحه شطرنج نگاه کرد و فهمید که باخته است. بعد رو به دلفك گفت خوب چرا زیر پتو قاچیم شده‌ای؟ دلفك گفت: ببخشید قربان اما شما تحمل شنیدن حرف حق را ندارید عوض اینکه سعی کنید بهتر بازی کنید با شنیدن خبر شکست‌تان من را که بی‌گناه هستم، کتک می‌زنید.

پادشاه با شنیدن این حرف به فکر فرو رفت؛ چون می‌دید دلفك راست می‌گوید. او تحمل شنیدن حرف حق و درست را نداشت و دلفك بیچاره را کتک می‌زد. امیدوارم از این کتاب خوش‌تون بیاید.



شما جدی، غمگین و ناامید از زندگی هستید؟ اگر کودکی غمگین و جدی هستید، سعی کنید آخرین تجربه شادی را که به‌عنوان یک کودک داشتید، به یاد آورید. این آخرین خاطره از شما به‌عنوان کودک شاد «کودک درون» است که در درون شما وجود دارد تا از عهده‌استرس برآید.

حال که کودک درون خود را شناختید، بهتر است از برخی نتایج منفی سرکوب کودک درون نیز آگاهی یابید. وقتی ما به‌عنوان یک بزرگسال سعی می‌کنیم نیازها و علایق کودک درون را سرکوب کنیم، هرگز یاد نمی‌گیریم چگونه بازی کنیم و خوش باشیم، چگونه آرامش یابیم و استرس را در زندگی کنترل کنیم و چگونه از زندگی قدردانی کنیم. در واقع بیشتر کار می‌کنیم تا زندگی کنیم. ما می‌توانیم به کودک درون خود بگوییم در زندگی خیلی جدی، سخت‌گیر و انعطاف‌ناپذیر نباشد، به اشتباهاتش بخندد و سعی کند از چیزهای کوچک در زندگی لذت ببرد.



واقعاً کودک درون چیه؟

کودک درون بیشتر در قلمروی روح ما قرار دارد تا در قلمروی رفتار آگاهانه. ترکیبی از ارزش کنونی و سیستم اعتقادی ما هست گرچه ما از تأثیر آن بر تصمیم‌گیری‌های خود خبر نداریم. علت وجود کودک درون این است که وقتی ما کوچک بودیم قوانین خانوادگی ما ایجاب می‌کرد که به‌عنوان یک خانواده شاد و سالم خود را نشان دهیم بنابراین ما کودک درون خود را تحت‌فشار قرار می‌دادیم تا مسئول‌تر، جدی‌تر و موفق‌تر به نظر برسد.

مشاهده کودک درون

برای این که کودک درون خود را شناسایی کنید، خود را در موقعیتی آرام قرار داده و چشم‌های‌تان را ببندید. ۳۰ دقیقه خود را کودکی بین ۳ تا ۸ سال و در شکل کودک و ابتدا در تبادل با اعضای خانواده و سپس در ارتباط با همبازی‌های‌تان در همسایگی یا مدرسه ببینید. توجه کنید چگونه به اعضای خانواده عکس‌العمل نشان می‌دهید و با دوستان و همبازی‌های‌ خود کنار می‌آید و ببینید از بازی با آن‌ها لذت می‌برید؟

سرانجام خود را در محیط خانواده تصور کنید. آیا شما شاد، پرانرژی و هیجان‌زده هستید و از زندگی لذت می‌برید؟ آیا کودک درون در هر شخص بالغ و بزرگسالی وجود دارد. در حافظه یا ناخودآگاه ما وجود دارد زیرا هرکدام از ما خاطرات تلخی از گذشته داریم که انگیزه فعلی و آینده ما را شکل می‌دهد. او به رویاها یا خیال بسیاری از ما می‌آید. ما می‌توانیم به‌وضوح مجسم کنیم که این کودک چه شکلی است، چه احساسی دارد و چگونه عمل می‌کند.

عاشق بازی و شادی و سبک سر بودید، همان کسی که شما آن را با شخصی بالغ، جدی و دارای رفتار تکلیف‌گرا جایگزین کردید، کودک درون شما گم‌شده یا فراموش شده اما هنوز هم در ناخودآگاه شما ساکن است. کسی که می‌داند چگونه بازی کرده و خوش بگذراند و به شما کمک می‌کند تا خستگی را از خود دور کرده و استرس را در زندگی‌تان کنترل کنید. شخصی که اگر آسان‌گیرید، جدی بودن خود را رها کنید، بر ترس‌تان غلبه کنید و انعطاف‌پذیری و تغییر را در زندگی خود بپذیرید، می‌توانید او را به‌عنوان یک بزرگسال در نظر بگیرید. شخصی در درون شما که برای انجام کارهایش نیازمند حمایت و تشویق از طریق ابزارهای متفاوت است، از این طریق می‌توانید زندگی جدید و سالمی داشته و فرصتی برای رشد شخصی بیابید.

جایگاه کودک درون

کودک درون در هر شخص بالغ و بزرگسالی وجود دارد. در حافظه یا ناخودآگاه ما وجود دارد زیرا هرکدام از ما خاطرات تلخی از گذشته داریم که انگیزه فعلی و آینده ما را شکل می‌دهد. او به رویاها یا خیال بسیاری از ما می‌آید. ما می‌توانیم به‌وضوح مجسم کنیم که این کودک چه شکلی است، چه احساسی دارد و چگونه عمل می‌کند.

الهام نظام آبادی



«کودک درون» اصطلاحی است که بسیار شنیده‌ایم و هرچند بیشتر به شوخی و طنز از آن استفاده می‌کنیم، اما مبحثی مهم در روان‌شناسی است که حتی در درمان رفتارهای ناهنجار و عادات و اضطراب‌های به‌جامانده از دوران کودکی به روان‌کاوان و روان‌پزشکان کمک می‌کند.

کودک درون همان بچه کوچکی است که دوست دارد تربیت شود، موردتوجه و مراقبت قرار گیرد و او را دوست داشته باشند. روح آزاد، شیطان و بازیگوشی است که شما آن را سر به راه کرده و کنترل می‌کنید، او عاطفی و حساس است، شما او را هدایت کرده و آرام می‌کنید، با این حال در درون شما زندگی می‌کند. او خلاق و هنرپیشه است، شکل یافته و سامان‌دهی شده و نیازمند رهایی است.

کودک درون همان شمای است که درد می‌کشید، نادیده گرفته می‌شوید، خود را از دید دیگران پنهان کرده و وجود خود را انکار می‌کنید. این کودک همیشه در زیر سطح قرار دارد و موجب نگرانی و ترس شما از سوءاستفاده قرار گرفتن می‌شود. شمای که در زمان جوانی

تنبلی تخمدان



دکتر مریم شریعت جعفری
جراح و متخصص زنان، زایمان، ناباروری

یکی از مشکلات شایع مراجعه‌کنندگان به کلینیک‌های زنان و مراکز ناباروری، مشکل تنبلی تخمدان هست، اما تنبلی تخمدان چیست و چگونه می‌توان آن را تشخیص داد و درمان نمود؟

تنبلی تخمدان در واقع یک اصطلاح عامیانه هست و از لحاظ علمی سندرم تخمدان پلی کیستیک یا PCO نامیده می‌شود که بر اساس مجموعه‌ای از علائم و اختلالات شناخته می‌شود.

شایع‌ترین علامت مبتلایان به این اختلال قاعدگی‌های نامنظم و اغلب تأخیر مکرر

در قاعدگی می‌باشد. این افراد ممکن است هم‌زمان دچار افزایش سطح اندروژن یا هورمون‌های مردانه باشند که با هیرسوتیسم (موهای درشت و زائد در نواحی چانه، روی سینه و صورت و...) و ریزش مو و آکنه و پوست چرب، خود را نشان می‌دهد. از علائم آزمایشگاهی این اختلال، تری‌گلیسرید بالا، قندخون مختل، سطح پایین ویتامین دی می‌باشد. اغلب مبتلایان دچار اضافه‌وزن و به‌ویژه چربی اطراف شکم می‌باشند که این امر از عوامل تشدیدکننده این اختلال است اما لزوماً تمامی مبتلایان چاق نیستند. نامنظمی قاعدگی سبب تخمک‌گذاری نامنظم یا عدم تخمک‌گذاری در سیکل‌های قاعدگی شده و منجر به نابازی یا تأخیر در

حاملگی می‌شود. و در صورت بارداری خطر فشارخون بالا، دیابت بارداری و سقط‌جنین در این افراد بیشتر است. علت اصلی این اختلال شناخته شده نیست و ممکن است علل ژنتیکی یا مقاومت به انسولین در آن دخیل باشد.

با مراجعه به پزشک و تشخیص دقیق می‌توان روند رشد بیماری و علائم آن را کنترل نمود. از گزینه‌های درمانی این سندرم بسته به نوع علائم و اختلالات ایجاد شده می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. - قرص‌های هورمونی یا جلوگیری از بارداری که به تنظیم هورمون‌ها کمک می‌کنند.

- داروهای کاهنده آندروژن یا هورمون مردانه، داروهای کاهنده قندخون، مکمل‌های ویتامینی و داروهای کمک باروری در افراد با مشکلات نابازی.

- لازم است در صورت پاسخ به درمان، تحت نظر پزشک درمان را تا بهبودی کامل ادامه دهید و از مصرف خودسرانه داروهای هورمونی خودداری کنید.



حکایت

سمک را برای خودمان تجویز کنیم!

مرد کم کم حس می کرد گوش همسرش سنگین شده و روز به روز شنوایی اش کم می شود. به نظرش رسید که زنش باید سمک بگذارد ولی نمی دانست این موضوع را چگونه با او در میان بگذارد. به این خاطر پیش دکتر خانوادگی شان رفت و مشکل را با او در میان گذاشت.

دکتر گفت: برای اینکه بتوانی دقیق تر به من بگویی که میزان شنوایی همسرت چقدر است، آرمایش ساده ای وجود دارد؛ ابتدا در فاصله ۴ متری او بایست و با صدای معمولی، مطلبی را به او بگو. اگر نشنید، همین کار را در فاصله ۳ متری تکرار کن، بعد در ۲ متری و به همین ترتیب تا بالاخره جواب بدهد. این کار را انجام بده و جوابش را به من بگو. شب که به خانه برگشت، منتظر فرصت مناسبی شد و وقتی همسرش در آشپزخانه سرگرم تهیه شام بود، وسط پذیرایی ایستاد و به خودش گفت: الان فاصله ما حدود ۴ متر است. بگذار امتحان کنم. سپس با صدای معمولی از همسرش پرسید: «عزیزم، شام چی داریم؟» جوابی نشنید بعد یک متر به جلوتر به سمت آشپزخانه رفت و همان سوال را دوباره پرسید و باز هم جوابی نشنید. باز هم جلوتر رفت و به در آشپزخانه رسید. سوالش را تکرار کرد و باز هم جوابی نشنید.

کم کم داشت خیلی نگران می شد و فکر نمی کرد زنش تا این حد شنوایی اش را از دست داده باشد. این بار

جلوتر رفت و درست پشت سر همسرش ایستاد و گفت: «عزیزم شام چی داریم؟» این بار همسرش جواب داد: مگه کر شدی؟! برای چهارمین بار دارم میگم «خوراک مرغ»!

جوانگرایی در انتصابات؛ چالش دولت جدید

یکی از ایرادات دولت ها این است که بدنه همان بدنه قبلی است، افرادی بر سر کار هستند که یا کارآمد بودند و کاری نمی کردند که خیانت است، و یا ناکارآمد بودند و باید تغییر کنند، که در هر دو صورت باید تحولی رخ دهد تا تحرکی که مدنظر رئیس جمهور منتخب است در بدنه اجرایی دولت جاری و ساری شود. دولت باید در حوزه انتصابات جوانان و مدیریت مانی و اجرایی نیازمند تحولی جدی باشد تا مردم نتیجه آن را بهتر لمس کنند.

با توجه به این که فضای عمومی کشور نشان می دهد مردم به دولت چهاردهم و ایجاد تحول در زندگی و مدیریت کشور امیدوار هستند، می طلبد استانداران به عنوان نماینده عالی دولت که در تحقق اهداف دولت نقش بسیار مهمی دارند، بعد از خدا، به مردم اتکا کنند.

بدون شک سخن گفتن با صراحت از ضرورت سپردن عرصه مدیریت به جوانان را می توان راهبردی ممتاز دانست که تحقق آن ضرورتی اساسی برای امروز و آینده کشور است و انتظار آن است تا زمینه های تحقق آن فراهم آید. این مهم در مسیر تحقق نیازمند توجه به برخی ملاحظات اساسی است تا از مسیر صحیح دچار افراط و تفریط نگردد و این فرصت تاریخی به خاطر برخی خطاها به تهدید بدل نشود.

شعار اصلی دولت چهاردهم هم در خصوص ساماندهی نیروی انسانی، مربوط به رفع بیکاری و استفاده از نیروهای جوان شایسته و مستعد بود.

نیروهایی که در مرز جوانی یا میانسالی باشند، قطعاً توانایی و انرژی بیشتری خواهند داشت و قدرت تصمیمگیری آنها



سریعتر است هر چند ممکن است اشتباهات بیشتری نیز داشته باشد. ممکن است جوانان اشتباه کنند اما باید یادمان باشد در کارهای بزرگی که در کشور به سرانجام رسیده، به همت و مدد جوانان بود. لازم است از افراد باتجربه و کارآزموده به عنوان مشاور در تصمیمگیری بهره برد، اما کار اجرایی بدون هیچ ترسی باید در دست جوانان البته از نوع باتجربه، باسواد و شایسته باشد، آنگاه خواهیم دید که چه نتایج مثبتی را در پی دارد. باید به این باور برسیم که جوانان میتوانند همچون گذشته کارهای بزرگ را انجام دهند، به شرط آن که یاران روز شنبه و به اصطلاح «لبایی» نباشند!

میداننداری جوانان و ورود آنها به عرصه مدیریت در روزهای آغازین انقلاب اسلامی و دوران هشت ساله دفاع مقدس دقیقاً همان نقطه عطفی بود که باعث شد انقلاب نوپای ملت ایران بتواند در مقابل انواع مشکلات و تهدیدات داخلی و خارجی مقاومت کند. رهبر معظم انقلاب اسلامی بارها و بارها در سخنان خود بر لزوم استفاده از جوانان تاکید کرده اند و استفاده از ظرفیتهای کشور را نیازمند حرکت جوانان و توجه به آنان دانستند.

زمانی سن بیشتر مسئولان کشور از ۵۰ سال بالاتر نبود و کمتر شاهد آن بودیم که مدیران مسن پشت میزهای اداره کشور بنشینند. اتفاقی که در روزگار کنونی باید به آن توجه بیشتری شود.

رورد جوانان به بدنه دولت همواره میتواند دستاوردهای مطلوبی به همراه داشته باشد و خون تازه ای در رگهای مدیریتی کشور، استان و شهرستان تزریق کند. باید شایسته گزینی و استفاده از نیروهای خبره در اولویت انتصابات قرار گیرد، هر چند در انتخاب افراد شایسته، به جوانان نگاه ویژه ای شود.

باید باور داشته باشیم از ابتدای انقلاب تاکنون، هر زمانی که جوانان در صحنه حضور داشتند و مسئولیتی به آنها واگذار شد، موفقیت های قابل توجهی را شاهد بودیم.

تلنگر

سنت های فراموش شدنی

می گویم علی وار زندگی می کنیم. پس کجاست آن حرف های خوب و شیرین؟ مادیات مهم است، ولی نه مادیاتی که به تجملات شبیه است! نه مادیاتی که برادر را به خون برادر تشنه می کند! مادیاتی لازم است که عشق و محبت و دوستی و عطفوت را به هم راه بیاورد، مادیاتی که باعث ربا، رشوه، خوردن مال مردم نشود، مادیاتی که دو اتاق ۳×۴ و یک باغچه سه گوش و یک حوض نقلی در خانه ای که بوی نم کاهگل آن بوی عشق، صفا و صمیمیت میدهد، خلاصه شود. اینها مادیات است! مادیاتی که پیامبران و امامان با آن گذر عمر کرده اند. چرا امروزه روستاییان، آن مردم دلیر و پاکبخته که سرمنشا ساده زیستی

همیشه در قدیم وقتی جوانی می خواست ازدواج کند هیچ غم و غصه ای نداشت؛ زیرا با ساده ترین وسایل و امکانات، زندگی خود را شروع می کرد. ولی امروزه جوانان به قدری متحمل هزینه های سنگین می شوند که حتی لجن خدی از روی خوشحالی بر لب آنها نقش نمی بندد. خانواده ها مهریه و شروطی برای خواستگار تعیین می کردند که برای او مقدور بود، ولی امروزه تا خواستگار پایش را داخل منزلی می گذارد یا به فرار می گذارد، زیرا چنان شروطی برای او تعیین می کنند که اگر تمام ثروت پدر و هفت جدش هم جمع شود، نمیتواند آنها را فراهم کند. ما همیشه دم از ساده زیستن می زنیم،

سنت های غلط غربی ها هستند؟ چرا دنبال علم و پیشرفت آنها نمی رویم؟ چرا یک جوان تا فیلم جدید یک هنرپیشه آمریکایی را می بیند شیفته لباس و سیگار کشیدنش می شود و کار او را تقلید کند؟ چرا ما با عقل و اندیشه خودمان یک مساله را محک نمی زنیم؟ وقتی جوانی کورکورانه تقلید می کند، قبل انجام هر کاری، کلاهش را قاضی کند و ببیند انجام آن کار چه سودی برایش دارد؟!

